

ترکیب فعلی: فرایندی صرفی یا نحوی؟ یک بررسی پیکره بنیاد^۱

موسی غنچه پور^۲

تاریخ دریافت: ۹۵/۴/۲۳

تاریخ پذیرش: ۹۶/۳/۸

چکیده

مقاله حاضر، با بررسی ترکیب فعلی زبان فارسی بر آن است تا فرایند دخیل در ساخت این مقوله زایا را روشن سازد. ترکیب فعلی از انضمام سازه‌های موضوع، افزوده، صفت و یا گروه نحوی با ستاک فعل تشکیل می‌شود و هسته نحوی این ساخت، برگرفته از فعل است. مقایسه پیکره ترکیب فعلی (۱۴۸۱) با داده‌های ترکیب غیرفعلی رساله خباز (Xabbaz, 2006) که بیش از ۳۹۷۴ مورد است و هر دو از فرهنگ بزرگ سخن انوری (Anvari, 2007) استخراج شده‌اند، نشان می‌دهد که این مقوله زبانی، در زبان فارسی بیش از دو برابر ترکیب غیرفعلی زایا است. بررسی مشخصه‌های نحوی و صرفی ترکیب فعلی زبان فارسی، نمایان‌گر آن است که ترکیب فعلی نمی‌تواند صرفاً فرایندی نحوی و یا صرفی باشد، بلکه فرایندی صرفی-نحوی است که بیشتر از ویژگی‌های نحوی

^۱ شناسه دیجیتال (DOI): 10.22051/jlr.2017.10483.1146

^۲ دکترای تخصصی زبان‌شناسی، استادیار دانشگاه فرهنگیان، تهران، ایران؛ m.ghonchepour@cfu.ac.ir

برخوردار است. بررسی واژه‌های مرکب فعلی بر پایه معیارهای صرفی و نحوی (ارجاع غیرضمیری، فرایند واژه‌سازی، بی‌قاعدگی، تکرارپذیری، ساخت سازه‌ای، روابط سازه‌ها، هم‌پایگی و حذف، پرسش واژه‌ها، زایایی، نمود، انسجام صرفی و نحوی، گسترش‌پذیری و یا گسترش‌ناپذیری و شفافیت و تیرگی معنایی) نشان می‌دهد که ترکیب فعلی در زبان فارسی فرایندی صرفی-نحوی است. علاوه بر این، به‌هم‌پیوستن تکواژهای تصریفی به کل ترکیب و در میان سازه‌های ترکیب، ترکیب‌های شفاف، تیره، گسترش‌پذیر و گسترش‌ناپذیر نمایان‌گر آن است که این مقوله زبانی همزمان رفتاری همانند ساخت‌های صرفی و نحوی دارد.

واژه‌های کلیدی: ترکیب فعلی، موضوع، افزوده، انسجام صرفی،

انسجام نحوی، تیرگی و شفافیت معنایی

۱. مقدمه

ترکیب همگام با پیشرفت‌های متفاوت در زمینه‌های مختلف، نقش گسترده‌ای در ساخت واژه بر عهده داشته و توانسته است بخشی از ضرورت نیاز به ساخت واژه، برای معرفی پدیده‌های جدید را در بیشتر زبان‌ها، به ویژه در زبان فارسی برآورده سازد. به بیان دیگر، ترکیب فعلی فرایند بسیار زایایی است که به عنوان یکی از امکانات واژه‌سازی که کاربرد گسترده‌ای نیز دارد، به شمار می‌آید. در این میان، واژه‌های مرکب از نظر رابطه بین عناصر سازنده آن‌ها به دو گروه غیرفعلی و فعلی دسته‌بندی می‌شوند. ترکیب غیرفعلی، ترکیبی است که از دو یا چند تکواژ تشکیل شده است. به طوری که هر یک از این تکواژها به تنهایی معنی داشته باشند و اگر واژه مرکب دارای هسته نحوی باشد، هسته از فعل گرفته نشده باشد (Xabbaz, 2006). منظور از هسته نحوی، سازه‌ای است که مقوله دستوری آن واژه را مشخص می‌کند مانند اسم مرکب غیر فعلی «پیرمرد» که سازه مرد هسته نحوی آن است. ترکیب‌های فعلی، مواردی را در بر می‌گیرند که هسته نحوی آن‌ها بر گرفته از فعل و عنصر غیرهسته موضوع، افزوده، صفت و یا گروه نحوی باشد. در ساختار ترکیب‌های فعلی سه سازه ستاک (هسته) فعلی، سازه غیرهسته و وند اشتقاقی عناصر اساسی هستند. سازه غیر

فعلی مشتمل بر موضوع، افزوده، صفت و گروه نحوی (گروه اسمی، صفتی و حرف اضافه‌ای) است. وند اشتقاقی به دو صورت آشکار و صفر در ساختار ترکیب‌های فعلی زبان فارسی بازنمایی می‌شود.

در آثار زبان‌شناسان ایرانی و غیرایرانی در پیوند با تعامل ترکیب با دو حوزه صرف و نحو، سه رویکرد مشاهده می‌شود. بعضی از پژوهشگران مانند کورشنر (Kürschner, 1974)، آلن (Allen, 1978)، لوی (Levi, 1978)، برزنن (Bresnan, 1982)، سلکرک (Selkirk, 1986)، میلر (Miller, 1993)، فوکوشیما (Fukushima, 2005)، بوی (Booij, 2005, 2009) و تِن هَکن (Ten Hacken, 2009) ترکیب را فرایندی واژگانی می‌دانند که از طریق آن یک واژه مرکب از دو یا چند واژه ساده‌تر تشکیل می‌شود. رویکرد واژگانی، بخش دستوری جداگانه‌ای برای اشتقاق ترکیب‌های فعلی در نظر گرفته‌است. واژگان‌گرایی به دوره‌ای از دستور زایشی اشاره دارد که از اوایل دهه ۱۹۷۰ آغاز می‌شود. این رویکرد برگشتی به حوزه سنتی دستور است که در آن صرف و نحو به لحاظ ماهیت، عناصر سازنده و برون‌داد به صورت کامل از یکدیگر مجزا هستند (Giegerich, 2009). علاوه بر این، زبان‌شناسانی مانند منصور (۱۳۸۶)، میرعمادی و مجیدی (Miremadi & Majidi, 2007)، مستأجر حقیقی (Mostajer Haghghi, 1990)، لیز (Lees, 1960)، مارچند (Marchand, 1965)، رُوپر و زیگل (Roepel & Siegel, 1978)، دی‌شولو (Di Sciullo, 2009)، واحدی (Vahedi, 2009) و هارلی (Harley, 2009) ترکیب را مقوله‌ای فقط نحوی می‌دانند که از طریق عملکرد قواعد گشتاری بر ژرف ساخت به دست می‌آید. در مقابل این دو رویکرد، زبان‌شناسانی مانند خباز (Xabbaz, 2006)، اسپنسر (Spencer, 2000)، گی‌اگریچ (Giegerich, 2009) و لیبر (Lieber, 1992, 2010) ترکیب را حاصل تعامل دو حوزه صرف و نحو می‌دانند و بر این باورند که این مقوله زبانی هم از ویژگی‌های نحوی و هم از ویژگی‌های صرفی برخوردار است. پس از اینکه مقاله «ملاحظات درباره اسم‌سازی» چامسکی (Chomsky, 1970) در مورد ترکیب فعلی، ارائه شد، رُوپر و زیگل (Roepel & Siegel, 1978) نخستین رویکردی را معرفی کردند که دو گرایش اصلی در این زمینه یعنی رویکردهای نحوی و صرفی (واژگانی) را به هم پیوند می‌زند (Booij, 1988; Di Sciullo & Williams, 1987). ترکیب فعلی از دوره رُوپر و

زیگل (Roepfer & Siegel, 1978) بسیار مورد توجه بوده و در آثار مربوط به حوزه صرف - نحو بسیار اهمیت داشته‌است. این دو، اگرچه تحلیل واژگانی (صرفی) از ترکیب فعلی زبان انگلیسی ارائه می‌دهند، اما به قواعد حرکت و گشتار باور دارند. به بیان دیگر، آن‌ها در پیوند با گشتارهای واژگانی^۱ می‌نویسند در ساخت ترکیب‌های فعلی موضوع درونی، فعل از جایگاه بعد از فعل به جایگاه قبل از فعل بر اساس چارچوب زیرمقوله‌ای^۲ فعل می‌آید. به باور آن‌ها، این حرکت باید از اصل اولین خواهر^۳ پیروی کند (Roepfer & Siegel, 1978, p. 208). بر اساس این اصل، واژه‌ای که اولین خواهر فعل (هسته) است، به جایگاه خالی قبل از فعل، حرکت می‌کند. همچنین، علاوه بر سه رویکرد اشاره‌شده، زبان‌شناسانی مانند راپر (Roepfer, 1988) اشاره می‌کنند که ترکیب‌های غیرفعلی در حوزه صرف و ترکیب‌های فعلی در حوزه نحو ساخته می‌شوند.

در مورد واژه‌های مرکب فعلی زبان فارسی و نحوه تعامل آن‌ها با حوزه‌های صرف و نحو تا جایی که نگارنده آگاهی دارد، پژوهشی انجام نشده‌است. بر این مبنا، ضرورت دارد تا با مطالعه داده‌های زبان فارسی در این زمینه، سه رویکرد اشاره‌شده مورد ارزیابی قرار گرفته و روشن شود که آیا ترکیب فعلی بر ایند تعامل دو حوزه صرف و نحو بوده یا اینکه پدیده‌ای صرفاً صرفی و یا نحوی است.

۲. ویژگی‌های ترکیب فعلی

در این بخش، ترکیب‌های فعلی با توجه به ویژگی‌های صرفی (عدم ارجاع ضمیری) (Spencer, 1991, p. 37)، واژه‌سازی و کل معنایی، بی‌قاعدگی الگویی (Giegerich, 1978, p. 178)، انسجام صرفی، انسجام نحوی و عدم پیش‌آیندسازی (Haspelmath, 2002, p. 158-159)، ارجاع ضمیری (Lieber & Scalise, 2006, p. 7) و تیرگی معنایی (Baker & Fasola, 2009, p. 97) و نحوی (تکرارپذیری (Lieber, 2010, p. 43)، ساخت سازه‌ای (Spencer, 1991, p. 310)، روابط بین سازه‌ها (Kornfeld, 2009, p. 444)، ربط هم‌پایگی و حذف، جایگزینی سازه با پرسش‌واژه (Lieber & Scalise, 2006, p. 444).

¹ lexical transformations

² subcategorization frame

³ first sister principle

Don, 2009, p. Roeper, 1988, ;p. 187)، نمود (Lieber, 2010, p. 63)، زایایی (p. 5-7) و شفافیت معنایی (Haspelmath, 2002, p. 156) سنجیده می‌شود تا مشخص شود که این مقوله زایای زبانی، با ویژگی‌های کدام یک از حوزه‌های دستور (نحو و یا صرف) سازگار و یا اینکه نزدیک‌تر است. به بیان دیگر، با توجه به رفتار ترکیب فعلی در برابر معیارهای بالا مشخص می‌شود که این مقوله زبانی فرایندی صرفی، نحوی و یا اینکه صرفی-نحوی است.

۲.۱. ویژگی‌های صرفی ترکیب‌های فعلی

در این بخش، مشخصه‌هایی از ترکیب فعلی ارائه می‌شود که به حوزه صرف و واژگان تعلق دارند و ترکیب فعلی را شبیه به فرایندهای صرفی می‌نمایند.

۲.۱.۱. نبود ارجاع ضمیری^۱

این مشخصه عبارت است از اینکه واژه‌ها جزیره ارجاعی هستند و عناصر سازنده آن‌ها و نیز عناصر کوچک‌تر از واژه^۲ (وندها) را نمی‌توان به وسیله ضمیر جایگزین کرد. برای نمونه، در ترکیب فعلی «چای فروش»، سازه‌های «چای» و «فروش» (فروشنده) در جمله «چای فروش محصولش را به فروش رساند» نمی‌توان هیچ‌یک از سازه‌های ترکیب را با ضمیر جایگزین کرد. به بیان دیگر ضمیر «ش» به هیچ‌یک از سازه‌های ترکیب اشاره نمی‌کند، اما در جمله «کتاب علی را دیدم و آن را به او برگرداندم» ضمیر «آن» به سازه اول (کتاب) و ضمیر «او» به سازه دوم (علی) گروه نحوی اشاره می‌کند. بنابراین سازه‌های ترکیب فعلی زبان فارسی نمی‌توانند ویژگی ارجاع ضمیری داشته باشند، در حالی که سازه‌های گروه نحوی این ویژگی را دارند.

۲.۱.۲. فرایند واژه‌سازی

انضمام اسم، صفت، قید و یا گروه نحوی به پایه فعلی ترکیب‌های فعلی را ایجاد می‌کند. این صورت‌های زبانی، واحدهای واژگانی جدیدی هستند که بر معنای خاصی دلالت

¹ pronominal

² sublexical

می‌کنند. به بیان دیگر، از طریق فرایند ترکیب بین صورت و معنی ارتباطی برقرار می‌شود که همانند ارتباط صورت و معنی واژه‌های بسیط است. ترکیب فعلی ساخته‌شده به مفهوم یا مصداقی دلالت دارد که متفاوت از مصداق یا مفهوم سازه‌های سازنده ترکیب است. برای نمونه، ترکیب‌های فعلی «سرشکسته»، «جهان‌نادیده»، «تن‌خواه» و «پنجه‌کش» یک کل معنایی جدید است که با سازه‌های سازنده آن‌ها تفاوت دارد.

۲.۱.۳. بی‌قاعدگی در ترکیب

کیپارسکی (Kiparsky, 1982) و گی‌اگریچ (Giegerich, 2009) الگوهای باقاعده را با نحو پیوند زده و الگوهای بی‌قاعدگی را مربوط به حوزه واژگان می‌دانند. معنای گروه‌های نحوی شفاف و انباشتی است. در حالی که ترکیب‌های فعلی از این نظر هم دارای معنای شفاف و هم دارای معنای تیره هستند. در گروه‌های نحوی، عنصر تصریفی به سازه هسته گروه می‌پیوندد، در حالی که ترکیب‌های فعلی وند تصریفی به انتهای ترکیب به عنوان یک کل می‌پیوندند و هسته یا غیر هسته بودن سازه پایانی، اهمیتی ندارد (مانند ترکیب‌های فعلی «نوک‌برگشته‌ها» و «پیوسته گل‌برگ‌ها» که پسوند تصریفی «ها» به کل ترکیب پیوسته است). علاوه بر این، مواردی از ترکیب‌های فعلی نیز وجود دارند که عنصر تصریفی هم می‌تواند به سازه آغازین ترکیب پیوندد که رفتاری متفاوت از رفتار هماهنگ گروه‌های نحوی در ارتباط با وندهای تصریفی و اشتقاقی دارد (مانند ترکیب‌های فعلی «مورچه‌پرداز»، «کاغذخرد» و «سیم‌خاردار»). به بیان دیگر، ترکیب‌های فعلی برخلاف گروه‌های نحوی، رفتاری یکسانی در برابر افزوده شدن وند تصریفی از خود نشان نمی‌دهند و قاعده‌مند نیستند. از جنبه ویژگی ارجاعی نیز در ترکیب‌های فعلی، سازه غیرهسته غیر ارجاعی و در مواردی نیز ارجاعی است و به مصداق خاصی مانند گروه‌های نحوی اشاره دارد. الگوی بی‌قاعدگی ترکیب فعلی در ویژگی‌های معنایی، صرفی و ارجاعی تأییدکننده صرفی بودن این مقوله زبانی است، اما گروه‌های نحوی در این زمینه الگوی باقاعده‌ای دارند و به حوزه نحو مرتبط‌اند.

۲.۱.۴. عدم پیش آیندسازی سازه‌های ترکیب

فرایند پیش آیندسازی، سازه‌های جمله را تحت تأثیر قرار می‌دهد. در این فرایند، سازه‌ای که از جنبه اطلاعاتی اهمیت دارد به ابتدای جمله آورده شده و در مورد آن صحبت می‌شود. برای نمونه، در جمله‌های زیر می‌توان کل ترکیب را به عنوان یک سازه و کل معنایی پیش آیند کرد، اما هیچ‌یک از سازه‌های ترکیب را نمی‌توان پیش آیند کرد.

الف) دیروز شکسته‌بند را ملاقات کردم

ب) شکسته‌بند را دیروز ملاقات کردم

*پ) شکسته دیروز - بند را ملاقات کردم

*ت) بند دیروز شکسته - را ملاقات کردم

در مورد ترکیب‌هایی که گسترش پذیر هستند و سازه‌ای به پایه ترکیب افزوده می‌شود و یا سازه‌ای در میان دو سازه دیگر ترکیب می‌آید، نیز همچون ترکیب فعلی «خاک‌روبه‌کش» نمی‌توان هیچ‌یک از سازه‌ها، حتی سازه درج‌شده را پیش آیند کرد.

الف) وجود خاک‌روبه‌کش برای سلامت و سعادت جامعه ضرورت دارد.

ب) خاک‌روبه‌کش وجودش برای سلامت و سعادت جامعه ضرورت دارد.

*پ) روبه‌خاک‌کش وجودش برای سلامت و سعادت جامعه ضرورت دارد.

رفتار و عملکرد ترکیب‌های فعلی گسترش‌ناپذیر و گسترش‌پذیر در رابطه با فرایند پیش آیندسازی استدلالی است بر اینکه ترکیب فعلی به عنوان یک واحد واژگانی منفرد و کل معنایی عمل می‌کند و برخلاف گروه نحوی و جمله این فرایند را نمی‌پذیرد.

۲.۲. ویژگی‌های نحوی ترکیب‌های فعلی

در این بخش، ویژگی‌هایی از ترکیب‌های فعلی ارائه می‌شود که ترکیب‌های فعلی را در حوزه فرایندهای نحوی قرار می‌دهند.

۲.۲.۱. تکرارپذیری / بازگشتی

ویژگی «تکرارپذیری / بازگشتی» ترکیب، عبارت است از اینکه ترکیب‌ها به دو پایه محدود نمی‌شوند. بلکه آن‌ها می‌توانند با پایه دیگری ترکیب و پایه جدید نیز با پایه دیگری ترکیب

شود و به این ترتیب ترکیب‌های بسیار پیچیده‌ای شکل گیرند (Lieber, 2010, p. 43). تکرارپذیری یکی از مشخصه‌های آشکار گروه نحوی است و مشتمل است بر اینکه گروه‌های موجود در یک جمله می‌توانند به صورت نامحدود تکرار شوند و محدودیتی برای سازه‌هایی که به آن‌ها افزوده می‌شود، وجود ندارد. برای نمونه، در جمله «کتاب خوبی خریدم» واژه «کتاب» در این گروه اسمی می‌تواند به وسیله صفت‌ها یا اسم‌های دیگری توصیف شود و به صورت «کتاب بزرگ خوبی» و یا «کتاب بزرگ قرمز رنگ خوبی» و نیز «کتاب بزرگ قرمز رنگ ارزان قیمت خوبی» آورده شود. نمونه‌های از این موارد نشان می‌دهند که هیچ محدودیتی در تکرار کسره اضافه مالکیت و درج صفت‌ها از نظر توانش زبانی وجود ندارد و به لحاظ کنش زبانی در تولید و یا درک این جملات محدودیت وجود دارد. اسپنسر (Spencer, 1991, p. 48) نیز بر این باور است که هیچ محدودیت زبان‌شناختی برای افزایش سازه‌های ترکیب وجود ندارد. در داده‌های ترکیب فعلی نیز این مشخصه دیده می‌شود. نمونه‌های «خاک روبه»، «خاک روبه‌ای»، «خاک روبه کش»، «جلوبندی»، «جلوبندی ساز»، «جلوبندی سازی»، «زبان دار»، «زبان داری»، «سروزبان دار» و «سروزبان داری» نشان می‌دهند که در ترکیب فعلی نیز ویژگی تکرارپذیری وجود دارد. به بیان دیگر، ترکیب‌های حاصل از انضمام دو سازه ترکیب می‌توانند به عنوان دروندادی برای واژه‌سازی به کار روند. برای نمونه، واژه مرکب فعلی «گل گیر» می‌تواند پایه ساخت واژه مرکب «گل گیر ساز» قرار گیرد. اما همان گونه که شواهد نشان می‌دهند، این ویژگی در ترکیب‌های فعلی محدودیت دارد. زیرا اغلب ترکیب‌های فعلی متشکل از دو پایه یا واژه هستند و بیش از پنج یا شش تکواژ در ساختمان آن‌ها دیده نمی‌شود.

۲.۲.۲. ساخت سازه‌ای

ساخت سازه‌ای، مشتمل بر گروه‌بندی طبیعی اجزای جمله و ویژگی نحوی زبان است (Fromkin et al, 2013, p. 82). یک جمله از نظر ساخت سازه‌ای به فاعل و گزاره و یا گروه اسمی و گروه فعلی تجزیه می‌شود. گروه فعلی و سایر گروه‌های نحوی نیز به سازه‌های کوچک‌تر تجزیه می‌شوند، تا اینکه دیگر قابل تجزیه نباشند. فرایند تحلیل سازه‌ای به صورت قلاب و یا به صورت نمودارهای درختی نشان داده می‌شود. ترکیب‌های

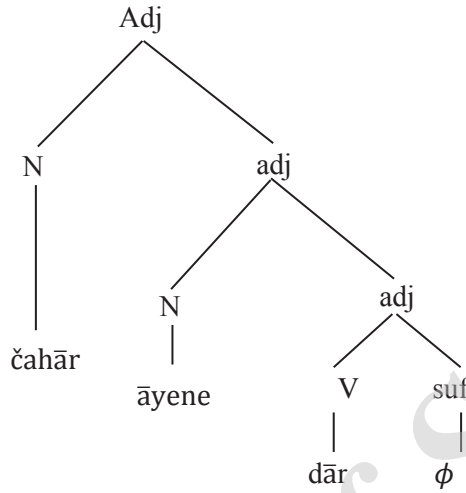
فعلی زبان فارسی نیز همچون جمله‌ها و گروه‌های نحوی دارای ساخت سازه‌ای سلسله‌مراتبی هستند که به روش ساخت ترکیب، بستگی دارد.

[[[خوار]] [بار]] [فروش]] [[ی]]	خواربارفروشی
[[[چهار]] [پا]] [دار]] [کش]]	چهارپادارکش
[[[چوب]] [پنبه]] [کش]]	چوب پنبه کش
[[[دو]] [چرخه]] [ساز]] [[ی]]	دوچرخه‌سازی

در ترکیب «چهارپادارکش»، برای نمونه ابتدا «چهار» با «پا» و سپس «چهارپا» با «دار» ترکیب شده و «چهارپادار» ساخته می‌شود، سپس ترکیب بالا با ستاک «کش» ترکیب شده و «چهارپادارکش» ساخته می‌شود. به بیان دیگر، فرایند ساخت سازه‌ای با ترتیب خاصی شکل می‌گیرد و سازه افزوده شده، گاه به ابتدای واژه مرکب مانند «سیم خار دار»، «کمک فز ساز» و گاه به انتهای واژه مرکب مانند «جلوبندی‌سازی» و «گلگیرساز» می‌پیوندد. بنابراین، با توجه به نمونه‌های بالا ترکیب فعلی زبان فارسی دارای ساخت سازه‌ای سلسله‌مراتبی است که از این نظر شبیه به نحو است. در این جا، ترکیب‌هایی که ساخت سازه‌ای پایگانی دارند، اشاره می‌شوند. همان گونه که داده‌های بالا نشان می‌دهند، بیشتر ترکیب‌های پایگانی از چهار تکواژ تشکیل شده‌اند و ترکیب‌های بیش از چهار تکواژ بسامد بالایی ندارند. داده‌ها نشان می‌دهند که ساختار سازه‌ای ترکیب‌های فعلی (ترکیب‌های پایگانی) به سه صورت ساخته می‌شوند:

۱. سازه به ابتدای ترکیب فعلی افزوده می‌شود.
۲. سازه به انتهای ترکیب فعلی افزوده می‌شود.
۳. سازه فعلی به ترکیب غیرفعلی افزوده می‌شود.

الف) ساخت سازه‌ای در اثر افزوده شدن سازه به ابتدای ترکیب فعلی ساخته شده‌است. برای نمونه، در ترکیب فعلی «چهارآینه‌دار»، ابتدا ترکیب فعلی «آینه دار» ایجاد شده‌است و سپس سازه «چهار» به ابتدای آن افزوده شده و ترکیب فعلی «چهار آینه دار» شکل گرفته است. چگونگی تشکیل این ترکیب فعلی پایگانی با استفاده از نمودار درختی ارائه می‌شود.



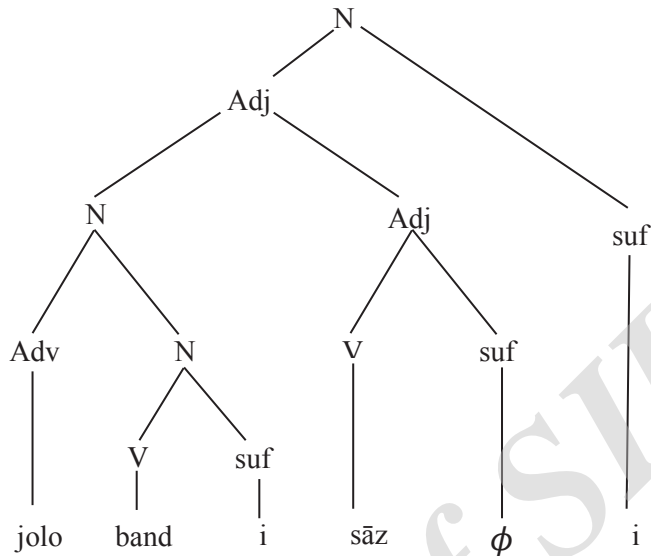
شکل ۱: نمودار ساخت سازه‌ای ترکیب فعلی «چهار آینه دار»

نمونه‌هایی از ترکیب‌های فعلی زبان فارسی که این ساخت سازه‌ای را دارند عبارت‌اند

از:

[[تیغ]] [[تیز]] [[کن]]	تیغ تیزکن
[[خار]] [[در]] [[آر]]	خاردرآر
[[دست]] [[رو]] [[شویی]]	دست و روشویی
[[سیم]] [[خار]] [[دار]]	سیم خاردار

ب) ساخت سازه‌ای در اثر افزوده شدن سازه به انتهای ترکیب فعلی ایجاد شده است. برای نمونه، در ترکیب فعلی «جلوبندی‌سازی»، ابتدا ترکیب فعلی «جلوبندی» از پیوند سازه‌های «جلو» و «بندی» شکل گرفته است. سپس ستاک فعلی «ساز» به ترکیب فعلی «جلوبندی» پیوند خورده و ترکیب فعلی «جلوبندی‌ساز» ساخته شده است. در نهایت، وند «ی» به این ترکیب افزوده شده و ترکیب فعلی «جلوبندی‌سازی» شکل گرفته است. چگونگی ساخته شدن این ترکیب فعلی که ساخت پایگانی دارد، به صورت نمودار درختی ارائه می‌شود.



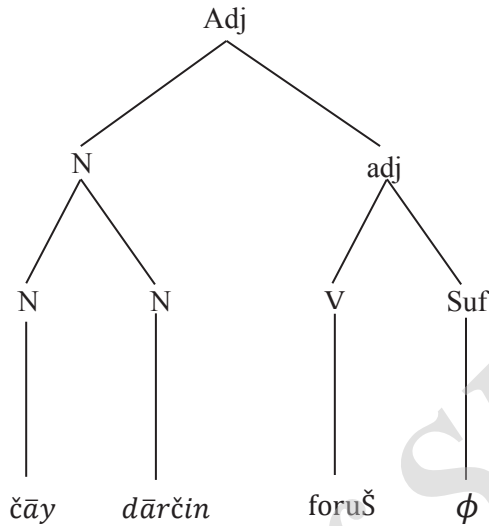
شکل ۲: نمودار درختی ساخت سازه‌ای ترکیب فعلی «جلو بندی سازی»

نمونه‌هایی از ترکیب‌های فعلی زبان فارسی که این ساخت سازه‌ای را دارند. مشتمل بر

موارد زیر هستند:

[[جا]] [[دار]] [[باشی]]	جبادار باشی
[[جلو]] [[دار]] [[باشی]]	جلودار باشی
[[چهار]] [[پا]] [[دار]] [[کش]]	چهارپادار کش / چاروادار کش
[[خاک]] [[روب]] [[ه]] [[کش]]	خاک‌روبه کش

پ) تکواژ و پایه فعلی به انتهای ترکیب غیرفعلی چسبیده است. برای نمونه، در ترکیب فعلی «چای دارچین فروش»، ابتدا از ترکیب تکواژهای «چای» و «دارچین» ترکیب غیرفعلی «چای دارچین» ساخته شده است و سپس ستاک برگرفته فعلی «فروش» به این ترکیب غیرفعلی افزوده شده و ترکیب فعلی «چای دارچین فروش» شکل گرفته است. نمودار ساخت سازه‌ای این ترکیب در زیر آورده می‌شود:



شکل ۳: نمودار درختی ساخت سازه‌ای ترکیب فعلی «چای دارچین فروش»

نمونه‌هایی از ترکیب‌های فعلی زبان فارسی که این ساخت سازه‌ای را دارند،

دربرگیرنده موارد زیر هستند:

[[ته]] [[سفره]] [[خور]]	ته سفره‌خور
[[چاپ]] [[خانه]] [[دار]]	چاپ‌خانه‌دار
[[چهار]] [[پا]] [[دار]] [[ی]]	چهارپاداری
[[چای]] [[دارچین]] [[فروش]]	چای دارچین فروش

علاوه بر ترکیب‌هایی که ساخت سازه‌ای دارند و به صورت پایگانی تشکیل می‌شوند، گروه دیگری از ترکیب‌ها نیز وجود دارند که به صورت ناپایگانی تشکیل می‌شوند. بررسی داده‌های پژوهش حاضر نشان می‌دهد که بسامد ترکیب‌های فعلی ناپایگانی در مقایسه با ترکیب‌های پایگانی بسیار کمتر است. ترکیب‌های «خودبیمارانگاری»، «از آب گذشته»، «از جان گذشته»، «از جنگ بر گشته»، «از خدا خواسته»، «از خود گذشته»، «از دست داده»، «از دست رفته»، «از سرگیری»، «از قلم افتاده»، «از مردم گریز»، «از میان رفته»، «از هم پاشیده»، «از هم در رفته»، «از هم گسسته»، «برزان‌نوشسته»، «به‌جان آمده»، «من درآوردی» و «شب‌زنده‌داری» نمونه‌هایی از این مورد هستند.

۲.۲.۳. روابط بین سازه‌ها

دو گونه ارتباط مابین سازه‌های جمله وجود دارد که در بین سازه‌های ترکیب نیز دیده می‌شود. نخست، ارتباط سازه‌ها با فعل جمله است که در نظریه معنایی^۱ ارتباط موضوع - گزاره نامیده می‌شود. در این زمینه، در دستور زایشی جایگاه گروه‌های اسمی به عنوان فاعل، مفعول صریح و مفعول غیرصریح نقش موضوع را بازی می‌کنند. بسیاری از ترکیب‌های فعلی مانند «سرشکسته»، «نوشت افزار فروشی»، «میرداد»، «شاه‌شناس»، «خانه کاوی» (کاویدن در خانه) و «شفته‌ریزی» (پر کردن محلی با شفته) دارای این گونه ارتباط هستند که هم موضوع درونی (مفعول صریح و غیرصریح) و هم موضوع بیرونی (فاعل) در ساخت ترکیب مشارکت دارند. ارتباط دیگری که بین سازه‌های ترکیب فعلی وجود دارد و آن‌ها را مشابه نحو می‌سازد، ارتباط هسته و توصیف کننده است. به این صورت که سازه غیرفعلی سازه هسته برگرفته فعلی را توصیف می‌کند. این ارتباط در میان ترکیب‌های فعلی غیرموضوعی و ترکیب‌های فعلی مکرر وجود دارد. ترکیب‌های فعلی غیرموضوعی، مواردی هستند که در آن‌ها سازه غیرهسته افزوده و صفت است. مانند ترکیب‌های فعلی «نوساز» و «دوباره‌دوز» که افزوده‌های «نو» و «دوباره» هسته‌های برگرفته فعلی «ساز» و «دوز» را تعریف می‌کنند. در ترکیب‌های «زشت گو» و «زیبایی»، صفت‌های «زشت» و «زیبا» (که در واقع کارکرد قیدی دارند) سازه‌های «گو[ی]» و «بین» را تعریف می‌کنند. در ترکیب‌های فعلی مکرر سازه تکراری به سازه برگرفته از فعل می‌پیوندد. ترکیب‌های فعلی مانند «فلان فلان شده» و «دل‌دل زنان» نمونه‌هایی از ترکیب‌های فعلی مکرر هستند. ترکیب‌های فعلی مکرر، پایه ساختی فعل مرکب و ساختار موضوعی ندارند.

۲.۲.۴. ربط هم‌پایگی و حذف^۲

ربط هم‌پایگی، فرایند به هم پیوستن سازه‌هایی است که از لحاظ نحوی مقوله یکسانی دارند. ربط هم‌پایگی از ویژگی‌های جمله و گروه نحوی است. برای نمونه، دو جمله یا دو گروه نحوی می‌توانند از طریق واژه‌های ربط «و»، «یا» و «اما» به هم پیوند زده شوند. مانند پیوند

¹ semantic theory

² gapping

میان دو جمله «علی راه می‌رفت و سجاد می‌دوید» و یا ارتباط میان دو گروه اسمی «کتاب علی و عینک سجاد روی میز است». در داده‌های ترکیب فعلی نیز، موارد بسیاری یافت می‌شود که سازه‌های آن‌ها از طریق حرف ربط «و» به هم مرتبط شده‌اند. مانند «مهر و موم شده»، «سر و دست شکسته»، «رنگ و روغن زده»، «دست و رو شسته» و «دست و پا شکسته» و نیز ترکیب‌های فعلی مکرر مانند «من [و] من کنان» و «لک [و] لک کنان».

ویژگی دیگری که در ترکیب‌های فعلی زبان فارسی مشاهده می‌شود که با ربط هم‌پایگی همراه است، ویژگی حذف عنصر هسته ترکیب‌های فعلی است که از ویژگی‌های برجسته گروه نحوی و جمله نیز به شمار می‌رود. برای نمونه، ترکیب فعلی «نان و آب‌دار» به صورت «نان‌دار» و «آب‌دار» بوده است که به دلیل حضور هسته فعلی «دار»، اولین ستاک فعلی حذف شده و ترکیب بالا به صورت «نان و آب‌دار» در روستا ساخت نمایان شده است. این حذف، در صرف و ترکیب‌های غیر فعلی مشاهده نمی‌شود. بنابراین ترکیب‌های فعلی نیز مانند گروه‌های نحوی، ویژگی ربط هم‌پایگی و حذف را می‌پذیرند (Lieber & Scalise, 2006, p. 5).

۲.۲.۵. پرسش‌واژه

یکی از ویژگی‌های نحوی و گروه‌های نحوی این است که می‌توان سازه‌های آن‌ها را از طریق واژه‌های پرسشی به حالت پرسشی در آورد. به بیان دیگر، پرسش‌واژه را جایگزین یکی از سازه‌های جمله کرد و آن را به ابتدای جمله حرکت داد. همچنین می‌توان سازه وابسته و یا سازه موضوع ترکیب فعلی را پرسشی کرد. در ترکیب‌های فعلی که به وسیله حرف ربط «و» به هم مرتبط می‌شوند، نیز یکی از سازه‌های وابسته و یا هر دو به صورت پرسش در می‌آیند. در ترکیب فعلی «از جنگ بر گشته» می‌توان واژه جنگ را سؤالی کرد و به صورت «از کجا بر گشته؟» آورد. همچنین در ترکیب‌های فعلی «از اندازه گذشته» به صورت «از چی گذشته؟» در «هفت گیسودار» به صورت «چند گیسودار؟» و یا «هفت چی دار؟»، «مکتب‌خانه دار» به صورت «چه چیز دار؟»، «تازه به دوران رسیده» به صورت «تازه به چی رسیده؟»، «خدا خیر داده» به صورت «کی خیر داده؟»، «خانه خراب کن» به صورت «چی خراب کن؟» می‌توان سازه غیر فعلی را پرسشی نمود. همچنین در ترکیب‌های فعلی

«نمایش نامه نویس» و «دست و پادار» می توان با استفاده از واژه های پرسشی، آن ها را به صورت «چه چیز نویس؟» و یا «چی دار؟» یا «دست وچی دار؟» پرسشی نمود. با توجه به موارد بالا، می توان ادعا نمود سازه های ترکیب های فعلی زبان فارسی را می توان همچون جمله ها و گروه های نحوی به وسیله واژه های پرسشی، سؤال کرد. همان گونه که نمونه ها نشان می دهند، پرسش واژه حرکت نمی کند و در جای اصلی خود باقی می ماند. به بیان دیگر، ترکیب های فعلی فقط «پرسش واژه در جای اصلی»^۱ را می پذیرند. از آن جایی که پرسش واژه در ترکیب های فعلی فاقد حرکت است، بنابراین می توان نتیجه گرفت که در ترکیب فعلی اگر چه پرسش واژه در بخش نحو حرکت نمی کند، این حرکت در بخش صورت منطقی انجام می گیرد.

۲.۲.۶. زیایی

فرایندهای صرفی و نحوی از جنبه مشخصه زیایی با یکدیگر تفاوت دارند (Mithun, 2009, p. 580). فرایندهای واژه سازی گستره متغیری از زیایی را نشان می دهند. در بعضی موارد، به هیچ وجه زیای نیستند، اما در موارد دیگری بسیار زیای هستند. به بیان دیگر، بر روی پیوستاری از غیر زیای تا کاملاً زیای قرار دارند. اگر فرایندی کاملاً زیای باشد نحوی و در غیر این صورت صرفی است. بیکر و فاسولا (Baker & Fasola, 2009, p. 597) فرایندهای غیر زیای را مربوط به حوزه صرف می دانند، در صورتی که زیایی از مشخصه های گروه نحوی هستند (Lieber, 2010, p. 63).

پژوهش های انجام شده در زمینه ترکیب (Tabatabae, 2003; Xabbaz, 2006) و به ویژه ترکیب فعلی نشان گر این امر است که ترکیب در زبان فارسی بسیار زیای است. داده های ترکیب فعلی^۲ و مقایسه آن با ترکیب غیر فعلی نشان می دهند که این مقوله زبانی

^۱ wh-in-situ

^۲ داده های ترکیب فعلی این مقاله برگرفته از رساله دکترای نگارنده و بیش از ۸۴۸۱ واژه مرکب فعلی زبان فارسی است که از فرهنگ بزرگ سخن (Anvari, 2007) استخراج شده اند. زبان فارسی مورد نظر در استخراج داده های ترکیب فعلی زبان فارسی امروز بود. بسامد داده های ترکیب فعلی در مقایسه با داده های ترکیب غیر فعلی رساله خباز (Xabbaz, 2006) که افزون بر ۳۹۷۴ مورد است بیان گر این امر است که ترکیب فعلی و یا ترکیب اشتقاقی در زبان فارسی بیش از دو برابر ترکیب غیر فعلی زیایی دارد.

در مقایسه با ترکیب غیرفعلی بسیار زایاتر است و گویشوران از این فرایند برای ساخت واژه‌های جدید زیاد استفاده می‌کنند. به بیان دیگر، گویش‌وران از انضمام موضوع، افزوده، صفت و گروه نحوی به ستاک فعلی همراه با وند اشتقاقی واژه‌های جدید را می‌سازند. از میان ترکیب‌های فعلی بیشترین میزان زایایی، مربوط به ترکیب‌هایی است که از طریق افزوده شدن وند اشتقاقی صفر به پایه فعلی ساخته شده‌اند. ۴۳۶۵ مورد ترکیب فعلی با وند اشتقاقی صفر، در برابر ۴۱۱۶ مورد ترکیب فعلی با وند‌های اشتقاقی «نده»، «ی»، «ه»، «ان» و «انه» از کل ۸۴۸۱ مورد ترکیب فعلی، نشانگر زایایی بسیار زیاد ترکیب‌های فعلی با اشتقاق صفر در زبان فارسی هستند.

از نظر واجی نیز ترکیب‌های فعلی بسیار زایا هستند. زیرا در اثر انضمام سازه‌ها به هسته فعلی تغییری در تلفظ واژه‌های ساخته‌شده، ایجاد نمی‌شود و واژه‌ها از جنبه آوایی شفاف هستند. از نظر معنایی، ترکیب‌های فعلی یک‌دست نیستند و به دو صورت شفاف و تیره مشاهده می‌شوند. از آنجایی که از سه عامل تأثیرگذار (بسامد، عدم تغییر آوایی و شفافیت معنایی) بر زایایی ترکیب فعلی دو عامل به طور کامل و یک عامل نیز به صورت مشترک نقش دارد، پس می‌توان به روشنی ترکیب فعلی را از نظر زایایی همانند نحو و بسیار زایا دانست.

۲.۲.۲. نمود

نمود مشتمل بر دیرش عمل یا حالت است که به وسیله فعل بیان می‌شود و با زمان و وجه همراه است. نمود کامل^۱، ناقص^۲، عادی^۳ و مکرر^۴ در زبان‌های گوناگون گزارش شده است (Roepert, 1988, p. 187; Don, 2009, p. 383). ویژگی نمود دستوری، یکی از مشخصه‌های جمله و به طور کلی ویژگی نحو است. مطالعه ترکیب فعلی زبان فارسی و بررسی داده‌ها نشان می‌دهد که چهار نوع نمود گزارش شده در ترکیب‌های فعلی زبان فارسی نیز مشاهده می‌شود. مواردی مانند «دیررو» (ویژگی آنچه به کندی و در مدت طولانی از میان می‌رود)، «شکرریزان» (در حال خوش صحبتی)، «کرکرکنان» (خنده کنان)،

¹ perfective
² imperfective
³ habitual
⁴ iterative

«کیل کشان» (در حال کیل کشیدن) دارای نمود ناقص (مستمر) هستند. ترکیب‌های فعلی همچون «رودست خورده» (گول خورده)، «زبان بریده» (آن که زبانش بریده شده است) و «صاف کرده» (ویژگی آنچه از صافی عبور داده شده تا مواد زائد آن جدا شود) نمود کامل را نشان می‌دهند. ترکیب‌هایی مانند «مظلوم‌چزانی» (عادت به آزار افراد مظلوم داشتن) نمود عادت‌ی و نمونه‌هایی همچون «سنگ‌باران» و «سنگ‌پاشان» (پرتاب پی‌درپی سنگ) نمود مکرر را نشان می‌دهند. بنابراین از جنبه ویژگی نمود، ترکیب‌های فعلی رفتاری همچون جمله و نحو دارند و این ویژگی ترکیب‌های فعلی را در گروه فرایندهای نحوی قرار می‌دهد.

۳.۲. ویژگی‌های صرفی - نحوی ترکیب فعلی

در این بخش، ویژگی‌هایی از ترکیب‌های فعلی آورده می‌شوند که آن‌ها را در گروه فرایندهای صرفی - نحوی قرار می‌دهند. به بیان دیگر، رفتار ترکیب‌های فعلی نسبت به این ویژگی‌ها یکسان و هماهنگ نیست و گروهی از ترکیب‌های فعلی این مشخصه‌ها را دارند و گروهی دیگر از ترکیب‌های فعلی این مشخصه‌ها را ندارند.

۳.۲.۱. ارجاعی

سازه غیرهسته ترکیب، به مصداق خاصی اشاره نمی‌کند و اسم جنس است. در ترکیب «student film society» یا «مجمع فیلم دانشجویی» هیچ‌یک از سازه‌های «student» و «film» به «دانشجو» یا «فیلم» خاصی اشاره نمی‌کنند (Spencer, 1991, p. 37). سازه‌های ترکیب فعلی و به ویژه سازه غیرفعلی به مصداق خاصی اشاره نمی‌کند، بلکه به طبقه خاصی دلالت دارند. برای نمونه، ترکیب‌های فعلی «سرشکسته»، «انگور چینی»، «خانه‌فروشی»، «مسافر کشتی» و «ماهی‌گیری» به «سر»، «انگور»، «خانه»، «مسافر» و «ماهی» مشخصی اشاره ندارند اما در جمله‌های «پزشک سرشکسته را پانسمان کرد» و «اخیراً انگور چینی هم در بازار یافت می‌شود»، واژه‌های «سر» در گروه نحوی «سرشکسته» و «انگور» در گروه نحوی «انگور چینی» به ترتیب به سر و انگور خاصی اشاره می‌کنند و ارجاعی هستند. بنابراین، از جنبه ویژگی ارجاعی بودن سازه‌های ترکیب فعلی غیرارجاعی هستند و مقوله‌هایی که این ویژگی را دارند، به حوزه صرف تعلق دارند و صرف در ساخت آن‌ها دخالت دارد. در مورد ویژگی ارجاعی در

ترکیب‌های فعلی استثنایی نیز یافت می‌شود. برای نمونه، ترکیب‌هایی مانند «خداپسند»، «خداداد»، «علی‌داد» و «امیرداد» نیز مشاهده می‌شوند که سازه غیرهسته ارجاعی است، اما فراوانی این ترکیب‌ها در مقایسه با ترکیب‌های فعلی غیرارجاعی بسیار اندک است. با توجه به معیار ارجاعی ترکیب‌های فعلی به هر دو حوزه صرف و نحو تعلق دارند.

۲.۳.۲. انسجام صرفی

افزودن تکواژهای تصریفی مانند تکواژ شمار «ها» و نیز تکواژهای اشتقاقی همچون «تر» و «ترین» به انتهای اسم، صفت و قید مرکب فعلی تابع همان قواعد افزودن این وندها به واژه‌های بسیط است (Xabbaz, 2006, p. 90; Haspelmath, 2002, p. 158). در گروه‌های نحوی، تکواژهای تصریفی و اشتقاقی به سازه هسته افزوده می‌شوند. مانند «برنج‌های شمال مرغوب است» کهوند تصریفی «ها» به هسته گروه نحوی «برنج شمال» یعنی «برنج» افزوده شده است. در ترکیب‌های فعلی، تکواژهای تصریفی و اشتقاقی به سازه‌های هسته همچون «جان‌داران»، «جان‌داری» و غیرهسته مانند «شکسته‌دلان»، «شکسته‌دلی» افزوده می‌شوند. به بیان دیگر، در ترکیب‌های فعلی تکواژهای تصریفی و اشتقاقی به کل ترکیب افزوده می‌شود که به این ویژگی انسجام صرفی گفته می‌شود. ترکیب‌هایی مانند «افسار گسیخته»، «امتحان داده»، «بخت برگشته»، «بخت بسته»، «پای بسته»، «پاچه‌ور مالیده»، «پای شکسته»، «پاشنه‌تر کیده»، «پاشنه‌خوابیده»، «پدر مرده»، «پرده‌دریده»، «پشم ریخته» و «پوست کنده» نمونه‌هایی از این مورد هستند. نمونه‌های اشاره‌شده، تأییدی هستند بر اینکه ترکیب‌های فعلی دارای ویژگی انسجام صرفی هستند، اما مواردی نیز مشاهده می‌شوند که این ویژگی را ندارند و رفتاری شبیه به گروه‌های نحوی دارند. بنابراین از جنبه انسجام صرفی نیز ترکیب‌های فعلی یکدست و هماهنگ نیستند.

۲.۳.۳. شفافیت و تیرگی معنایی

انضمام اسم، صفت، قید و یا گروه با پایه فعلی ترکیب‌های فعلی را ایجاد می‌کند که واژه‌های جدید هستند و بر معنای ویژه‌ای دلالت می‌کنند. معنای این ترکیب‌ها با توجه به تکواژهای سازنده، شفاف و یا تیره است. واژه‌های مرکب شفاف، ترکیب‌هایی هستند که با

توجه به تکواژهای سازنده بتوان آن‌ها را تعبیر کرد، اما معنی ترکیب‌های تیره با توجه به تکواژهای سازنده آن‌ها به دست نمی‌آید. تیرگی معنایی، نشان می‌دهد که واژه‌های زبان در همنشینی تحت تأثیر یکدیگر تغییر معنی داده و دست‌خوش افزایش یا کاهش معنایی می‌شوند. در مورد اینکه آیا ترکیب به صورت کلی و ترکیب فعلی به صورت خاص دارای معنای انباشتی یا انحصاری است می‌توان گفت که اگر دو واژه در معنی اولیه و بی‌نشان خود با یکدیگر ادغام شوند، معنای شفاف خواهند داشت («میوه‌فروش»). در حالی که اگر دو سازه در ترکیب با یکدیگر دست‌خوش افزایش و کاهش معنایی شوند («عشوه‌فروش») از جنبه معنایی نشان‌دار شده و ترکیب تیره را تشکیل می‌دهند. هنگامی که یکی از واژه‌ها در معنی اولیه و دیگری به صورت نشان‌دار به کار رود، ترکیب در حد فاصل شفاف و تیره قرار خواهد گرفت (وطن‌فروش). از آنجایی که واژه‌ها به طور کلی معنای غیرقابل پیش‌بینی دارند، بنابراین اگر معنی تک‌تک سازه‌های ترکیب‌های فعلی شفاف را ندانیم به معنای کل ترکیب پی نمی‌بریم. به بیان دیگر، واژه‌های مرکب شفاف نیز همچون واژه‌ها معنای غیر قابل پیش‌بینی دارند. لیبر و اسکالیز (Lieber & Scalise, 2006, p. 16) یک مشخصه مهم برای تعیین واژگانی بودن یک فرایند واژه‌سازی را غیر قابل پیش‌بینی بودن معنایی می‌دانند. با فرض دانستن معنی تک‌تک سازه‌ها، واژه‌های مرکب شفاف معنای انباشتی دارند و به حوزه نحو مرتبط‌اند، اما واژه‌های مرکب تیره معنای واژگانی‌شدگی و انحصاری دارند و به حوزه واژگانی و صرفی تعلق دارند. ترکیب‌های فعلی «جاجیم‌بافی»، «حیات‌بخش» (بخشنده زندگانی)، «جالیز‌کاری» و «زاغه‌نشین» معنای انباشتی دارند و معنای ترکیب از معنای سازه‌های آن‌ها روشن می‌شود، اما در نمونه‌های «دست و پا بسته» (گرفتار)، «از خدا خواسته» (باکمال علاقمندی)، «بالارو» (نوعی پنجره که رو به بالا باز می‌شود)، «دست و پا گیر» (مزاحم) و «دست و پنجه دار» (دارای هنر) با دانستن معنای سازه‌های ترکیب نمی‌توان به معنای کل سازه پی برد. نمونه‌های بالا نشان می‌دهند که ترکیب‌های فعلی زبان فارسی هم دارای معنای انباشتی و هم معنای منحصر به فرد و اصطلاحی هستند. بنابراین معیار تیرگی و شفافیت معنایی ترکیب‌های فعلی را نه در حوزه صرف و نه در حوزه نحو، بلکه آن‌ها را در هر دو حوزه نحو و صرف قرار می‌دهد، اما از جنبه غیرقابل پیش‌بینی بودن معنایی، همه ترکیب‌های فعلی به حوزه صرف تعلق

دارند. همه ساختارهایی که از طریق نحو ساخته می‌شوند، به لحاظ معنایی شفاف‌اند و برون‌داد فرایندهای زایا هستند، در حالی که ساختارهای غیرشفاف واژگانی‌اند.

۲.۳.۴. انسجام نحوی

مابین سازه‌های گروه‌های نحوی می‌توان تکواژهای دستوری و یا واژگانی آورد و سازه‌های آن‌ها را گسترش داد، اما نمی‌توان تکواژهای دستوری و یا واژگانی را بین سازه‌های واژه‌ها قرار داد. به بیان دیگر، واژه‌ها گسترش‌ناپذیر هستند (Haspelmath, 2002, p. 91; Xabbaz, 2006, p. 159). ترکیب‌های فعلی زبان فارسی از نظر گسترش‌پذیری و درج تکواژهای واژگانی و دستوری در میان سازه‌های آن‌ها به دو گروه دسته‌بندی می‌شوند. گروهی از آن‌ها مانند «آب خشک کن» غیرقابل گسترش هستند. در حالی که گروه دیگری مانند «دررفته»، «تازه رسیده»، «دودخورده»، «مهمان‌دار»، «دست‌فروشی»، «دست‌شویی»، «نمایش‌نویس» و «گل‌دار» گسترش‌پذیرند و می‌توان تکواژهای دستوری و آزاد و یا تکواژهای آزاد «هم فرو»، «به دوران»، «چراغ»، «خانه»، «دوم»، «و رو»، «نامه» و «بوته» را به ترتیب در میان آن‌ها گنجانند و ترکیب‌های «درهم‌فرورفته»، «تازه‌به‌دوران‌رسیده»، «دودچراغ‌خورده»، «مهمان‌خانه‌دار»، «دست‌دوم‌فروشی»، «دست‌وروشویی»، «نمایش‌نامه‌نویس» و «گل‌وبوته‌دار» را ایجاد کرد. همچنین تکواژهای تصریفی و اشتقاقی نیز میان سازه‌های ترکیب فعلی می‌آیند. نمونه این موارد را می‌توان تکواژ اشتقاقی «ب» در ترکیب فعلی «جیره‌بگیر» نام برد که بین سازه‌های موضوع و هسته فعلی آمده‌است یا اینکه تکواژهای منفی به دو صورت «نا» و «ن» بین دو سازه آمده و آن‌ها را از هم جدا کرده‌است. مانند ترکیب فعلی «جهان‌دیده» که با افزوده شدن «نا» ترکیب «جهان‌نادیده» ساخته شده‌است. همچنین می‌توان به ترکیب‌های فعلی «خدمات‌رسانی»، «خوانین‌زاده» اشاره کرد که تکواژهای تصریفی جمع «ات» و «ین» بین دو سازه فاصله انداخته‌است. همچنین جمع بی‌قاعده، در ترکیب‌های فعلی همچون «مصالح‌فروشی» استدلالی است بر اینکه جمع بی‌قاعده قبل از صورت‌بندی ترکیب شکل می‌گیرد که تأییدی بر فرضیه ترتیب سطوح آلن (Allen, 1978) است. ترکیب‌های فعلی گسترش‌پذیر و گسترش‌ناپذیر تأییدکننده صرفی-نحوی بودن ترکیب‌های فعلی زبان فارسی است.

۳. نتیجه گیری

ویژگی های مطرح شده ترکیب فعلی، نحوی و صرفی بودن آن ها و ارزیابی وضعیت و رفتار ترکیب فعلی در پیوند با این ویژگی ها در جدول زیر می آید تا الگوی روشن تری از نحوی، صرفی و یا نحوی-صرفی بودن این مقوله زایا به دست آید.

جدول ۱: ویژگی های نحوی و صرفی و رفتار ترکیب فعلی

رفتار ترکیب فعلی			نوع ویژگی		ویژگی ها
نحوی - صرفی	صرفی	نحوی	صرفی	نحوی	
-	+	-	+	-	ارجاع ضمیری
-	+	-	+	-	فرایند واژه سازی
-	+	-	+	-	بی قاعدگی
-	+	-	+	-	عدم پیش آیندسازی سازه ها
+	-	-	+	-	غیر ارجاعی بودن سازه غیر هسته
+	-	-	+	-	انسجام صرفی
+	-	+	-	+	شفافیت
	+	-	+	-	تیرگی
+	-	-	+	-	انسجام نحوی
-	-	+	-	+	تکرار پذیری/بازگشتی
-	-	+	-	+	ساخت سازه ای
-	-	+	-	+	روابط بین سازه ها
-	-	+	-	+	ربط هم پایگی و حذف
-	-	+	-	+	پریش واژه
-	-	+	-	+	زایایی
-	-	+	-	+	نمود
۴	۵	۸	۸	۸	جمع کل

از میان ۱۶ ویژگی یاد شده، ۸ ویژگی به نحو و ۸ ویژگی به صرف اختصاص دارد. رفتار ترکیب فعلی با توجه به ویژگی های اشاره شده، در ۸ مورد نحوی، در ۵ مورد صرفی و در ۴ مورد هر دو ویژگی را به صورت مشترک دارند. با توجه به این مشخصه ها، ترکیب فعلی بیشتر مشخصه های نحوی را دارد، اگرچه مشخصه های صرفی را نیز شامل می شود. بنابراین با توجه به ویژگی های بالا، این مقوله زایای زبانی در حوزه تعامل صرف و نحو قرار دارد. به بیان دیگر، ترکیب فعلی بر روی پیوستاری قرار دارد که در یک سوی آن نحو و در سمت دیگر صرف واقع است و ترکیب فعلی بیشتر گرایش به سوی نحو پیوستار

دارد. از آنجایی که از ۱۶ ویژگی یاد شده، ۸ ویژگی نحوی، ۵ ویژگی صرفی و ۴ ویژگی نحوی-صرفی است، روشن است که ترکیب‌های فعلی ویژگی‌های نحوی مشترکی با گروه‌های نحوی دارند و به همین سبب تشخیص آن‌ها از گروه‌های نحوی دشوار است. با توجه به اینکه، تمایز این دو مقوله برای طبقه‌بندی‌های زبانی ضروری به نظر می‌رسد، با توجه به ویژگی‌ها و داده‌های ترکیب‌های فعلی معیارهای ارائه‌شده در مورد ترکیب را سنجیده می‌شود تا مشخص شود که آیا معیارهای کارآمدی برای تمایز این دو مقوله زبانی هستند. ویژگی‌های ترکیب فعلی در زبان فارسی نشان می‌دهند که این مقوله بسیار زایا آن‌گونه که فاب (Fabb, 1984)، راپر (Roeper, 1988, 1987)، دی شولو (Di Sciullo, 2009)، واحدی (Vahedi, 2009) و هارلی (Harley, 2009) بیان کرده‌اند، فرایندی کاملاً نحوی نیست. همچنین آن‌گونه که سلکرک (Selkirk, 1986)، دی شولو و ویلیامز (Di Sciullo & Williams, 1987)، بوی (Booij, 2005a, 2009) و تن‌هکن (Ten Hacken, 2009) بیان می‌کنند، فرایندی کاملاً صرفی نیستند. بلکه آن‌گونه که لیبر (Lieber, 1992, 2010) و راپر و زیگل (Roeper & Siegel, 1978) ادعا می‌کنند، فرایندی صرفی-نحوی است که در زبان فارسی ویژگی‌های نحوی وزن بیشتری دارند. به صورت خلاصه ترکیب فعلی زبان فارسی دارای مشخصه‌های زیر هستند.

۱. ترکیب فعلی زبان فارسی جزیره ارجاعی است و ضمیر نمی‌تواند جایگزین عناصر سازنده آن شود.
۲. ترکیب فعلی زبان فارسی از جنبه ویژگی‌های معنایی، انسجام صرفی (افزوده شدن تکواژ تصریفی) انسجام نحوی (گسترش ناپذیری) الگوی بی‌قاعده دارد.
۳. هیچ‌یک از سازه‌های ترکیب فعلی پیش آیند نمی‌شوند.
۴. برون‌داد ترکیب فرایند واژه‌سازی و کل معنایی است.
۵. ترکیب فعلی زبان فارسی ویژگی تکرارپذیری یا بازگشتی دارد (این ویژگی مانند نحو نامحدود نیست).
۶. ترکیب‌های فعلی ساخت سازه‌ای دارند.
۷. روابط بین سازه‌های ترکیب‌های فعلی (موضوع - گزاره و توصیف کننده - توصیف شده) مانند روابط بین سازه‌های جمله است.

۸. سازه‌های ترکیب فعلی را می‌توان به وسیله واژه‌های ربط به هم پیوند زد که این امر منجر به حذف عنصر فعلی بخشی از ترکیب فعلی می‌شود.
۹. سازه‌های غیرفعلی ترکیب فعلی را می‌توان از طریق واژه‌های پرستی، سوالی نمود.
۱۰. ترکیب‌های فعلی زبان فارسی از جنبه بسامد و شفافیت آوایی بسیار زیاده هستند. از جنبه معنایی نیز ترکیب‌های فعلی شفاف که تأییدکننده زیایی است، در زبان فارسی مشاهده می‌شود.
۱۱. ترکیب فعلی مانند جمله دارای نمود است.
۱۲. سازه غیرفعلی ترکیب فعلی در بیشتر موارد به مصداق خاصی اشاره نمی‌کند.
۱۳. همه ترکیب‌های فعلی زبان فارسی انسجام صرفی ندارند.
۱۴. ترکیب‌های فعلی زبان فارسی معنای تیره و شفاف دارند و هر دو طبقه ترکیب فعلی (شفاف و تیره) معنای غیرقابل پیش‌بینی دارند.
۱۵. ترکیب‌های فعلی زبان فارسی از نظر انسجام نحوی یک‌دست نیستند و ترکیب‌های فعلی گسترش‌پذیر و گسترش‌ناپذیر در زبان فارسی مشاهده می‌شود.

فهرست منابع

- انوری، حسن (۱۳۸۶). فرهنگ بزرگ سخن (ویراست چهارم). تهران: سخن
- خباز، مجید (۱۳۸۵). ترکیب غیرفعلی در زبان فارسی. رساله دکتری. دانشگاه علامه طباطبایی.
- طباطبایی، علاءالدین (۱۳۸۲). اسم و صفت مرکب در زبان فارسی. تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- منصوری، مهرزاد (۱۳۸۶). «انضمام در زبان فارسی». *زبان و زبان‌شناسی*. دوره ۳، شماره ۶. صص ۱۲۵-۱۴۳.
- میرعمادی، سید علی و ستاره مجیدی (۱۳۸۶). «تحلیل معنایی واژگان مرکب مفعولی در زبان فارسی». *زبان و زبان‌شناسی*. دوره ۳، شماره ۵. صص ۵۵-۷۱.

- Allen, M. R. (1978). *Morphological investigations* (Ph.D. thesis), University of Connecticut, Storrs, United States.
- Anvari, H, (2007). *Farhang-i buzurg-i Sukhan* (4nd ed.). Tehran: Soxan Pbulication [In Persian].
- Baker, M., & Fasola, C. (2009). Araucanian: Mapudungun. In R. Lieber and P. štekauer (Eds.), *The Oxford Handbook of Compounding* (pp. 594-609). Oxford: Oxford University Press.

- Booij, G. (1988). The relation between inheritance and argument linking: deverbal nouns in Dutch. In M. Everaert, A. Evers, R. Huybregts, and M. Trommelen (Eds.), *Morphology and Modularity* (pp.143-60). Dordrecht: Foris.
- Booij, G. (2005a). *The grammar of words*. Oxford: Oxford University Press.
- Booij, G. (2009). Compounding and construction morphology. In R. Lieber, & P. štekauer (Eds.), *The Oxford Handbook of Compounding* (pp. 201-217). Oxford University Press.
- Bresnan, J. W. (1982b). *The mental representation of grammatical relations*, Cambridge: MIT Press.
- Chomsky, N. (1970). Remarks on nominalization. In R. A. Jacobs & P. S. Rosenbaum (Eds.), *Readings in English transformational grammar* (pp. 184-221). Waltham, Massachusetts: Ginn.
- Di Sciullo, A. M. (2009). Why are compounds a part of human language? A view from asymmetry theory. In R. Lieber, and P. štekauer (Eds.), *The Oxford handbook of compounding* (pp. 145-177). Oxford: Oxford University Press.
- Di Sciullo, A. M., & E. Williams. (1987). *On the definition of word*. Cambridge: MIT Press.
- Don, J. (2009). IE, Germanic: Dutch. In R. Lieber and P. štekauer (Eds.), *The Oxford handbook of compounding* (pp. 370-386). Oxford: Oxford University Press.
- Fabb, N. (1984) Syntactic affixation (Ph. D. dissertation). Cambridge: MIT Press.
- Fukushima, K. (2005). Lexical V-V compounds in Japanese: Lexicon vs. syntax. *Language*, 81 (3), 568-612.
- Fromkin, V., Rodman, R., & Hymes, N. (2013). *An introduction to language*. Wadsworth: Cengage Learning.
- Giegerich, H. (2009). Compounding and lexicalism. In R. Lieber, and P. štekauer (Eds.), *The Oxford handbook of compounding* (pp.178-201). Oxford: Oxford University Press.
- Harley, H. (2009). Compounding in distributed morphology. In R. Lieber, and P. štekauer (Eds.), *The Oxford handbook of compounding* (pp. 105- 129). Oxford: Oxford University Press.
- Haspelmath, M. (2002). *Understanding morphology*. London: Macmillan Press LTD.
- Kiparsky, P. (1982). Lexical phonology and morphology. In Linguistic Society of Korea (Ed.), *Linguistics in the morning calm: Selected papers from SICOL-1981* (pp. 3-91). Seoul: Hanshin.
- Kornfeld, L. (2009). IE, romance: Spanish. In R. Lieber and P. štekauer (Eds.), *The Oxford handbook of compounding* (pp. 436-453). Oxford: Oxford University Press.
- Kürschner, W. (1974) *Zur syntaktischen beschreibung deutscher nominalkompsita auf der grundlage generativer transformations grammatiken (german compound nouns in generative grammar)* (PhD. thesis), Tübingen: Narr, Germany.
- Lees, R. B. (1960). *The grammar of English nominalizations*. Bloomington: Indiana University Press/The Hague: Mouton.
- Levi, J. N. (1978). *The syntax and semantics of complex nominals*, New York: Academic Press.
- Lieber, R. (1992b). Compounding in English. *Rivista di Linguistica*, 4, (1), 79-99.
- Lieber, R. (2010) *Introducing morphology*. New York: Cambridge University Press.

- Lieber, R., & Scalise, S. (2006). The Lexical Integrity hypothesis in a new theoretical universe. *Lingue e linguaggio*, 5(1), 7-32.
- Mansoori, M. (2007). Noun incorporation in Persian. *Language and Linguistics*, 6, 125-143 [In Persian].
- Marchand, H. (1965a). The analysis of verbal nexus substantives. *Indogermanische Forschungen*, 70, 57-71.
- Marchand, H. (1974). The analysis of verbal nexus substantives. In D. Kastovsky (Ed.), *Studies in Syntax and Word-Formation* (pp. 276-91). Munich: Fink.
- Miller, D. G. (1993). *Complex word formation*. Amsterdam: John Benjamins Publishing.
- Miremadi, S. A., & Majidi, S. (2007). A semantic analysis of objective compounds in Persian. *Language and Linguistics*, 3 (5), 55-73 [In Persian].
- Mithun, M. (2009). Iroquoian: Mhawk. In R. Lieber and P. štekauer (Eds.), *The Oxford handbook of compounding* (pp. 564-584), Oxford: Oxford University Press.
- Mostajer Haghghi, M. (1990). The study of compound words based on generative Grammar. *Jostarhaye Zabani*, 88 & 89, 245-257.
- Roeper, T. (1987). Implicit arguments and the head-complement relation. *Linguistic Inquiry*, 18, 267-310.
- Roeper, T. (1988). Compound syntax and head movement. In G. Booij and J. van Marle (Eds.), *Yearbook of morphology* (pp. 187-228). Dordrecht: Foris Publications.
- Roeper, T., & Siegel, M. E. A. (1978). A lexical transformation for verbal compounds. *Linguistics Inquiry*, 9, 199- 260.
- Selkirk, E. (1986). *The syntax of words*. Cambridge, MA: MIT Press
- Spencer, A. (1991). *Morphological theory: An introduction to word structure in Generative Grammar*. Oxford: Blackwell.
- Spencer, A. (2000). Morphology and syntax. In G. Booij, Ch. Lehman & J. Mugdan (Eds.), *Morphology: An international handbook on inflection and word formation* (pp.312-335). Berlin: de Gruyter.
- Tabatabae, A. (2003). *Compound noun and adjective in Persian*. Tehran: University Publication Center [In Persian].
- Ten Hacken, P. (2009). Early generative approaches. In R. Lieber & P. štekauer (Eds.), *The Oxford handbook of compounding* (pp. 78-105). Oxford: Oxford University Press.
- Vahedi, M. M. (2009). A survey of two types of alternating agentive nominal in Persian. In F. Mailhot (Ed.), *The annual conference of the Canadian linguistic association* (pp. 1-16). Canada: Brock University.
- Xabbaz, M. (2006). *Root compounding in Persian* (Ph.D. thesis), Allame Tabataba'i University, Tehran, Iran [In Persian].